

دفاع از حقوق انسان میخواهم، ضمن محکوم کردن این عمل جمهوری اسلامی، با ابتکار و اقدامات اعتراضی خود جمهوری اسلامی را تحت فشار بگذارند، مشخصا خواستار لغو دادگاهی آنها و تامین آزادی و امنیت آنها بشوید.

با احترام فراوان

رحمان حسین زاده

دبیر کمیته کردستان حزب

کمونیست کارگری ایران

۱۸ اوت ۲۰۰۴

Tel: 0046739855837

Email:

R_hoseinzadeh@yahoo.com

به اتحادیه‌ها و سازمانهای کارگری، به نهادهای بین‌المللی دفاع از حقوق انسان!

موضوع: دادگاهی چند نفر از کارگران در شهر سقز

کارگران حمله کرده و این عده را مدتی در زندان نگه داشتند و امروز هم میخواهند دوباره آنها به زندان برگردانند.

از این کارگران و خانواده های آنها باید حمایت شود. به این اقدام و زورگویی جمهوری اسلامی باید اعتراض شود.

لذا از اتحادیه‌ها و سازمانهای کارگری و همه نهادهای بین‌المللی

محمود صالحی، برهان دیوارگر، جلال حسینی و محمد عبدی پور صادر شده است و قرار است در یک هفته آینده دادگاهی شوند.

این کارگران هیچ جرمی را مرتکب نشده‌اند. تصدیق میکنید، برگزاری مراسم علنی کارگری حق اولیه و ابتدایی آنها در روز جهانی کارگر است. مجرم رژیم اسلامی و عوامل آن در شهر سقز است که به تجمع

همچنانکه اطلاع دارید در جریان مراسم کارگری اول مه امسال شهر سقز چند نفر از کارگران و شرکت کنندگان دستگیر شدند. در داخل ایران و در سطح بین‌المللی اعتراضات گسترده‌ای موجب آزادی آنها شد. اکنون دولت جمهوری اسلامی باردیگر در صدد "دادگاهی" آنها برآمده است. حکم احضار به دادگاه چهارنفر از آنها به نامهای



اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

* اطلاعیه کمیته کردستان حزب
در باره دادگاهی کردن دستگیر
شدگان مراسم اول مه سقز

* اخباری از مبارزات کارگران
و معلمان صفحات ۲ و ۴

اسلام بخشی از کمپنیزم
در جامعه است

متن مصاحبه ای با منصور حکمت

صفحه ۳

خالد حاج محمدی:

**نباید اجازه داد دستگیرشدگان اول ماه
مه سقز محاکمه شوند!**

صفحه ۲

**در پاسخ به چرندیات
یک مرتجع اسلامی**

در باره توجیهات اسلامی رئیس دادگستری
پاوه راجع به قتل‌های اخیر در این شهر

حدود دو ماه قبل چند فقره قتل ناموسی که توسط پدران و بستگان زنان جوان مقتول در شهر پاوه و حومه، روی داد، مردم پاوه و حومه را در اندوه فرو برد. قاتلان از مزدوران مسلح رژیم اسلامی بودند این حوادث، برخشم مردم صفحه ۲



عبدالله شریفی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ایسکرا

سردبیر: ایرج فرزاد

iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: 0046739555085

چهارشنبه‌ها منتشر میشود

رادیو انترناسیونال

۲۱ متر، ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹

بوقت تهران

به دیگران اطلاع دهید

radio7520@yahoo.com

رادیو انترناسیونال روی اینترنت:

www.radio-international.org

مدیر رادیو انترناسیونال:

سیاوش دانشور

نباید اجازه داد دستگیرشدگان اول مه سقز دادگاهی شوند!



خالد حاج محمدی

مردم مبارز سقز! کارگران، زنان، جوانان!

محاکمه کند. فعلا ۴ نفر از آنان احضاریه گرفته و قرار است

جمهوری اسلامی قرار است دستگیرشدگان اول مه سقز را

ساخته است. حزب کمونیست کارگری در این راه همراه و در کنار شماست. بی شک مردم آزادیخواه شهرهای دیگر در این میدان در کنار ما هستند.

خالد حاج محمدی
دبیر کمیته سقز حزب
کمونیست کارگری ایران

۲۷ مرداد ۱۳۸۳
۱۷ اوت ۲۰۰۴

کرده است تا با این نیرنگ بتواند پرونده آنان را سنگینتر کند. نباید اجازه داد این دوستان محاکمه شوند. جمهوری اسلامی هیچگونه مشروعیتی ندارد و اگر کسی قرار باشد محاکمه شود این سران جنایتکار رژیم است نه این دوستان. این بار نیز باید در اعتراض به این بی‌عدالتی به میدان آمد و جمهوری اسلامی را عقب نشاناند. مراسم دادگاهی آنان را میتوان به میدان اعتراض به جمهوری اسلامی تبدیل کرد. این کار از شما مردم آزادیخواه همچنانکه تا کنون نشان داده‌اید

برهان دیوارگر و محمود صالحی روز دوم شهریور و جلال حسینی و محمدعبیدی پور در سوم شهریور محاکمه شوند. همگی میدانید که این دوستان در ۱۲ اردیبهشت امسال به جرم برگزاری مراسم اول مه دستگیر و زندانی شدند. در اثر اعتراضات وسیع شما مردم مبارز در شهر سقز و سایر شهرها و اعتراضات وسیعی که در ابعاد جهانی به جمهوری اسلامی صورت گرفت، این دوستان از زندان آزاد شدند. جمهوری اسلامی این بار ارتباط با جریانات اپوزیسیون را نیز به پرونده آنان اضافه

در پاسخ به چرندیات یک مرتجع اسلامی

ادامه از صفحه اول

مردسالاری اسلامی را در شهرهای بزرگ دید و خواند. آقای یآوری پیاوه گوئی میکنند.

مردم در سراسر ایران خواهان بر چین کلیه قوانینی هستند که نابرابری زن و مرد و تبعیض جنسی و ستم و قهر و خشونت جنسی را در این قرن حراست میکنند مردم چرندیات این مرتجع اسلامی را باید با نهایت تنفر جواب بدهند نباید اجازه داد قاتلان زندگی یک جامعه، از زبان مردم در مورد فجایعی که قلب همه ما را آزرده است اظهار نظر کنند بستگان و خانواده قربانیان قتلخی اخیر در شهر پیاوه، باید به این گستاخی "یآوری" اعتراض کنند

۱۶ اوت ۲۰۰۴

"دختر کشان" رسم مردم متمدن جامعه ایران نبوده و نیست. مردسالاری و ناموس پرستی در سایه قوانین اسلامی است که به خونین ترین اشکال، به عمر ننگین خود ادامه میدهد. آقای یآوری باید بداند که مردم لایذ ناچارند اسلحه تهیه کنند نه برای قربانی کردن عزیزان خود، بلکه برای دفاع از زندگی و انسانیت خود، در مقابل مشتی کانگستر اسلامی حاکم. آقای یآوری میدانند که وقتی اسلحه بدست کسانی بیافتد که سلطه رژیم اسلامی و قوانین ضد انسانیش آنان را مرد سالار و زن ستیز کرده است، اولین محصولش به خون کشیدن نزدیکان زن و دختر است، و این منطقه مرزی و غیر مرزی ندارد. هر روز میتوان از لابلای صفحات روزنامه ها گوشه هائی از جنایات ناموس پرستی اسلامی و بیرحمی

گوشه های خود را، تا دختران و همسران خود را با آن سوراخ سوراخ کنند و در خون غرق کنند. این اهانت رئیس دادگستری پیاوه نباید بی جواب بماند. در جریان قتلهای اخیر مردم نشان دادند که چه اندازه از این حوادث متاثر و متاسف بوده اند، نشان دادند که چه اندازه از قوانین اسلامی و شرع و زندان و بساط زن ستیزی اسلامی بیزارند. حمایت بستگان قربانیان این جنایات گوشه ای از حس انساندوستی جامعه را به معرض نمایش گذاشت. مردم قاتل نیستند رژیم اسلامی بانی فلاکت و سیه روزی مردم است. قانون و شرع و دادگاه و نیروی مسلح رژیم اسلامی است که بی حقوقی کامل را بر زنان جامعه تحمیل کرده است. بقا رژیم آپارتاید جنسی است که سنن و عقب ماندگیها را پاسداری میکنند

اظهار نظر کرده است. چرندیات این خادم حکومت آدمکش اسلامی چیزی جز نشان دادن استیصال حکومتشان در مقابل مردم نیست. یآوری در مطبوعات محلی استان کرمانشاه و سپس در ایسنا تلاش میکند رژیم اسلامی و قوانینش را از این ماجرا تبرئه کند. او میگوید: "بدلیل اینکه پیاوه شهر مرزی میباشد مردم اسلحه غیرمجاز تهیه میکنند و در دعوای خانوادگی بکار میگیرند" این اهانت آشکار به مردم شریف پیاوه و منطقه است. گویا مردها میروند از دم مرز اسلحه میخرند تا جگر

و جوانان مبارز شهر و منطقه علیه بساط رژیم اسلامی افزود. کمیته پیاوه و اورامانات حزب کمونیست کارگری، همان موقع، در اطلاعیه های خود، ضمن محکوم کردن این جنایات، مردم را به مبارزه علیه قوانین و حکومت اسلامی فراخواند. عکس العمل ما با استقبال مردم مواجه شد. پیامها و تلفنهای متعدد و تماسهای جوانان شهر با ما نشان میدهد که مردم تا چه حد از اعمال قوانین کثیف و ضد انسانی و مردسالار اسلامی متنفرند. سرانجام این فشار، رئیس دادگستری شهر پیاوه علیرضا یآوری را ناچار به

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران محاکمه دستگیرشدگان اول مه سقز محکوم است!

این ۷ نفر دستگیر و زندانی شدند و با اعتراضات وسیعی که در داخل ایران و هم در سطح بین‌المللی به این عمل جمهوری اسلامی صورت گرفت، رژیم مجبور شد با وثیقه آنان را آزاد کند. جرم این ۷ نفر شرکت در مراسم اول مه سقز بوده است و البته در احضاریه‌های رژیم اتهام واهی رابطه با احزاب اپوزیسیون نیز به جرایم آنان اضافه شده است. کمیته کردستان حزب کمونیست

قرار است بزودی ۴ تن دستگیرشدگان اول مه سقز، جلال حسینی، برهان دیوارگر، محمود صالحی و محمدعبیدی پور، هادی تنومند محاکمه شوند. طبق اخباری که بدست ما رسیده قرار است روز دوم شهریور برهان دیوارگر و محمود صالحی و روز سوم شهریور بقیه دادگاهی میشوند. همچنانکه قبلا نیز به اطلاع رساندیم در جریان مراسم اول مه کارگران در شهر سقز

محاکمه شوند. ما از همه کارگران و مردم میخواهیم با اعتراضات متحد و وسیع خود مسئولین رژیم را سر جایشان بنشانند و مراسم دادگاهی کارگران سقز را به میدان اعتراض علیه جمهوری اسلامی تبدیل کنند. حزب کمونیست کارگری در این راستا در داخل و خارج از هیچ اقدامی دریغ نخواهد کرد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ مرداد ۱۳۸۳
۱۶ اوت ۲۰۰۴

کارگری ایران ضمن محکوم کردن اقدام جمهوری اسلامی بری دادگاهی دستگیر شدگان ماه مه سقز، کارگران و مردم مبارز در شهرهای مختلف را به اعتراض علیه این اقدام جمهوری اسلامی فرا میخواند. برگزاری مراسم اول مه از ابتدایی‌ترین حقوق کارگران است. مزدوران جمهوری اسلامی با تعرض به اجتماع اول مه امسال کارگران سقز مرتکب جرم شده‌اند و باید

منتشر شده است:
تاریخ زنده کردستان، چپ و ناسیونالیسم
نوشته:
حسین مراد بیگی

اسلام بخشی از لمپنیزم در جامعه است

متن مصاحبه
منصور حکمت با
رادیو همبستگی
مالمو - سوئد

رادیو همبستگی:

کمونیست کارگری ایران تنها جریان سیاسی است که مطرح میکند مختصات جمهوری اسلامی با خواستها و آرزوها و چگونگی روش زندگی مردم در جامعه ایران خوانائی ندارد و بیشتر مثل یک وصله ناجور میماند که به پیکره جامعه چسبیده است. استدلالات شما در مورد این ارزیابی از جامعه ایران و همچنین این نکته که ایران یک جامعه اسلامی نیست، چیست؟

منصور حکمت:

ابتدا باید در مورد تعریف آنهایی که میگویند ایران جامعه اسلامی است یا کلا جوامعی را اسلامی تعریف میکنند دقیق شوم تا بتوان فهمید این تعاریف دارند به چه نیازی پاسخ میدهند. تصویری که در غرب از جامعه اسلامی هست تصویر از مردمی است مومن به اسلام که موازین آن را اجرا میکنند. یعنی نماز و روزه شان سرچایش است و اعتقادشان را از کتب دینی و یا مراجع مذهبی می گیرند. در واقع شهروند جامعه ای مثل ایران را اینطور تصویر میکنند که گویا مقلد آقای خمینی است یا واقعا بهش برمیخورد اگر کسی با سر باز به خیابان بیاید، موسیقی غربی را دوست ندارد یا مشروب الکلی و گوشت خوک نمیخورد و غیره. اما همه ما میدانیم که به این عنوان جامعه ایران یک جامعه اسلامی نیست. این تصویر یک تصویر استرئوتایپ و کلیشه ای است که خود غرب از جوامعی که دور از دسترس شهروندان است، ساخته است و راه محک زدن عینی و مستقلی برای شهروند سوئدی یا انگلیسی نیست. دین اسلام در

ایران، مانند مسیحیت برای مثال در ایتالیا یا ایرلند، حتما در افکار و منش آدمهائی نفوذ دارد. آن فرهنگ مذهبی و آن میراث و بختک مذهبی چنددهزار ساله حتما روی رفتار آدمها، روی تعصباتشان، حتی روی روش نگاه کردن آدمها به همدیگر سنگینی میکند، در این شکی نیست. ولی این در مورد همین ایتالیا و ایرلند و فرانسه نیز به همه غیرمذهبی بودن شان صدق میکند. بالاخره کسی میتواند بگوید اینها هم مسیحی هستند و حتما یک فرانسوی به شما خواهد گفت که فرانسه یک جامعه مسیحی نیست ولی مسیحیت بخشی از گذشته شان است و رویشان سنگینی میکند. به این عنوان در ایران هم طبعاً اسلام سنگینی میکند.

مثلا شما آثار روشنفکران و نویسندگان و شعرا ایران را بخوانید، تصویری که از زن می گیرید میراث اسلام از زن است. تصویری که از شادی و غم میگیرید، آن حالت باصطلاح شیفتگی با بدبختی و مرگ و قربانی دادن و شهادت که در تمام فرهنگ میدود، اینها رگه های اسلام درونش هست. اما وقتی در غرب از جامعه اسلامی حرف میزنند منظورشان جامعه ای است که مقررات اسلامی برای مردم امری درونی و ذاتی شده و از دل خودشان برمیخیزد. در صورتیکه بحث ما اینست که این اسلام در یک پروسه سیاسی از طریق زندانها و کشتارها و دستگیرها، کله های حزب الله و گشت های شارالله به مردم ایران تحمیل شده است. ایران جامعه ای اسلامی نیست به این دلیل که قبل از اینکه اینها بیایند، نبود. از وقتی هم که اینها آمدند مردم مدام در مقابل از خودشان دفاع میکنند. فرض کنید شما یک میله را میخواید خم کنید. مدام خم میکنید ولی تا فشار را از رویش برمیدارید به حال اولش بر میگردد. این حالت خمیده شکل واقعی این شیئی نیست، شکل عادی این میله مستقیم است و برای همین وقتی خم

میکنید فنریت دارد و میخواید برگردد. اگر کسی بیست سال با کشت و کشتار و با زور و با تبلیغات هر روزه از دهها رسانه تلویزیونی و رادیویی میخواید زنان یک کشور را زیر حجاب کند و هنوز هم تا اسید و دهنه را کمی کنار می برد حجابها کنار میروند، آنوقت باید بفهمد که زنان این جامعه معیارهای اسلامی را نمی پذیرند. بین کل ۶۰ میلیون، حتما صد هزار نفر می پذیرند و حتی تشویق هم میکنند ولی مردم عادی آن کشور در مقیاس میلیونی حجاب اسلامی را جزو ذات و فرهنگ خودشان نمیدانند و نمیخواهند.

موسیقی ای که مردم ایران گوش میدهند آن چیزی نیست که اینها رسماً ارفاق کرده اند و به فرهنگ مردم تسلیم شده اند و اجازه داده اند. بلکه مایکل جکسون و مادونا و دیگر خوانندگان پاپ در غرب هستند. گوگوش شخصیت خیلی محبوب تری از خمینی در تاریخ آن کشور بود. مصرف و تولید آلبوم در آن مملکت همیشه بیشتر از تولید مهر و تسبیح و جانماز بوده و این مردم همان مردم اند. اگر کسی مثل من و شما آنجا زندگی کرده باشد و نخواهد ایران را از طریق رسانه ها بشناسد، میدانند این کشور یک کشور اسلامی نبوده و در مغز و استخوانش علاقه زیادی به شباهت پیدا کردن به جوامع غربی داشته است. هنوز هم هنگامی یک ایرانی پیش را به خارج میگذارد زودتر از مردم خیلی کشورهای دیگر خودش را آنجا پیدا میکند و از نظر رفتار روزمره اش شبیه مردم غرب میشود و حتی مقوله هایی مثل مردسالاری، ناموس پرستی، غیرتی بودن و شوونیسم مرد شرقی هر چند در بین ایرانیان هنوز خیلی قوی است ولی زودتر تضعیف میشود تا کشورهای دیگری که بطور جدی دچار بختک اسلام هستند.

ایران، بطور مشخص، نه طبق تعاریف شرقشناسان غرب، نه مطابق تعاریف رسانه های غربی و

نه مطابق تعاریف خود هیات حاکمه ایران، یک جامعه اسلامی نیست. ایران یک جامعه تشنه روشنی و تشنه مدنیت است که بخصوص با سیمپاتی به فرهنگ قرن بیست غرب به دنیا نگاه میکند. به علم اعتقاد داشته، دو نسل قبل از ما بی حجاب راه میرفت، موسیقی و سینمای غربی همیشه بخشی از فرهنگ آن مملکت بوده، و آدمهای سرشناس جامعه غربی جزو مشاهیر همان جامعه هم بوده اند. شبیه شدن به غرب چه در آب لوله کشی و نحوه شهر نشینی، چه در مدارس، چه در دانشگاه درست کردن و علم و هنر و فرهنگش جزو فضائل بشمار میرفت. یکی ممکن است انتقادی هم به این داشته باشد، من نمیخواهم وارد این بحث بشوم ولی جامعه ایران فرهنگ غربی را به عنوان الگویی که باید به سمتش رفت پذیرفته است و به این عنوان دقیقاً جمهوری اسلامی نمیتواند از پس این مردم بر بیاید. نسلی از مردم که در دوران خود جمهوری اسلامی بدنیآ آمده اند و همه چیزشان را تحت این نظام دارند حتی از من و شما دشمنی شان بیشتر است.

ایران جامعه ای اسلامی نیست و اسلامیت را نمی پذیرد، ولی هنوز یک جنبش قوی ضد اسلامی، یک جنبش فکری و سیاسی ضد اسلامی قوی که به یک دستاورد تاریخی آن جامعه تبدیل شود نداشته ایم. جنبشی که برای مثال در سال ۱۹۹۹ جامعه ایران تکلیفش را با این میراث جامعه کهنه یعنی اسلام یکسره کرده باشد وجود نداشته و این یکی از مشکلات مهم آن مملکت است.

رادیو همبستگی:

قبلاً اروپا مرکز مبارزه با مذهب بود و بالاخره مذهب به امر خصوصی مردم تبدیل شد. حالا بنظر می رسد که در ایران یک چنین مبارزه ای علیه اسلام و مذهب بطور کلی در جریان است. آیا این موقعیت را میشود با آن جنبش ضد مذهبی که در اروپا اتفاق افتاد مقایسه کرد؟ سوال دیگر اینست که جریاناتی که خجالتی از اسلام دفاع میکنند یکی از ارکان فعالیت تبلیغاتییشان در رابطه با اسلام، تقسیم اسلام به اسلام خوب و بد است و اینکه باید از اسلام خوب در

مقابل اسلام بد دفاع کرد و اینکه اسلام میتواند رهائی بخش باشد و کلام مقوله الهیات رهائی بخش را وارد کرده اند. نظر شما در این مورد ارزیابی تان از این حرکت سیاسی چیست؟

منصور حکمت:

در مورد سوال اول همانطور که قبلاً گفتیم نفرت ضد اسلامی و یک مبارزه فرهنگی توده مردم با اسلام را شاهدیم. تا آنجا که به مبارزه عقیدتی و افشاگری از بنیادهای این دین و افشای دینداری به طور کلی برمیگردد، برای یک انسان آزاد اندیش مذهب بخشی از لمپنیزم در جامعه است و چاقوکشی و مذهب از یک خانواده اند که باید هر دو را بگذارد کنار. این مبارزه اگر الان صورت می گیرد به لطف کمونیستهایی از جنس ماهاست و آن هم در محدوده امکانات یک سازمان سیاسی. یک جنبش کشوری سراسری در مقیاس اجتماعی از طیفی از روشنفکران روشنگری که فریاد بزندان من دین ندارم و من خدا نشناسم، نداریم. در صورتیکه اروپا پر از غولهای فکری بوده که جلوی عظمت کلیسایی قد علم کرده اند و حرفشان را زده اند. در قلمرو علمی و فلسفی و اجتماعی این خرافات را نقد کرده اند و خیلی هایشان هم بهایش را پرداخته اند. ما این شهامت معنوی و سیاسی و فکری را در قشر اندیشمندان آن مملکت نداریم. امروز "دگراندیش" معمولاً به کسانی می گویند که رفیق آقای خاتمی باشند. در نتیجه شاید این دست طبقه کارگر ایران و دست حزب کمونیست کارگری را می بوسد که این مبارزه را به یک سرانجام اساسی برسانند. من فکر می کنم این مبارزه ای که در ایران هست، اگر منجر به عروج احزابی مثل ما و جنبشی مثل جنبش سوسیالیستی کارگری بشود و این جنبش بتواند علیرغم همه مشکلات و موانعی که سر راهش می گذارند روی پای خودش بایستد، می شود ریشه مذهب را در دراز مدت زد. ولی اگر بنا باشد فقط به جایگزینی جمهوری اسلامی اکتفا شود و اشکال را به آن اضافه کنند یا حقوق مدنی را به جمهوری اسلامی الصاق کنند، من فکر می کنم مردم به حششان نرسیده اند.

اسلام بخشی از کمپنیزم در جامعه است

ادامه از صفحه ۳

در مورد الهیات رهایی بخش، اینها میراث حزب توده است.

هیچکدام از اینها به نظر من اندیشه های صمیمانه و واقعی نیست که از ته قلب کسی برخاسته باشد. همان آدمی که می گوید الهیات رهایی بخش، حاضر نیست برود با اهل آن الهیات رهایی بخش وصلت کند یا زندگی کند یا به حزب آنها پیوندد. همیشه قضیه تاکتیک است، پلتیک است، می خواهند از بین خود آخوندها جناحی پیدا کنند که بتواند به آنها کمک کند تا جبهه ای وسیع علیه استبداد بسازند. این یک تفکر توده ایستی است، بجای اینکه عقیده اش را بگوید مدام مشغول پلتیک زدن و شامورتی بازی سیاسی است. الهیات رهایی بخش اسم آخوندهای مسیحی ای است که حاضرند علیه دیکتاتوری های آمریکایی لاتین حرفی بزنند. این را الهیات رهایی بخش می گویند. ولی هیچ الهیاتی بنا به تعریف رهایی بخش نیست، الهیات یعنی

نقطه مقابل رهایی بخش، الهیات یعنی بستن چشم و گوش آدمیزاد، یعنی جلو فکر مستقلش را گرفتن و حواله دادنش به جهان و خالقی ناشناخته. الهیات رهایی بخش چرند است. مثل این میماند بگویم فاشیسم آزادیخواه و این یک تناقض در خود است. الهیات نمی تواند رهایی بخش باشد، چه مسیحی اش، چه بودایی اش، چه اسلامی. برای روشنفکران قرن نوزده اصلا رهایی قبل از هر چیز رهایی از چنگال دین معنی میداد. تا دهها و صدها سال رهایی برای روشنفکر یعنی رهایی از دین و از قید و بند اندیشه های حقنه شده و تحمیلی. حالا الهیات خودش رهایی بخش شده؟ بخاطر چی؟ بخاطر اینکه بلوکی به اسم بلوک شرق برای باصلاح مقاومتش جلو غرب، احتیاج داشت که بخشی از جامعه غربی را نسبت به خود خوشبین کند و برای خود موتلف تاکتیکی بترشد. آقای طالقانی میشد "در صف انقلاب" حالا آقای

خاتمی میشود، یا فلان کشیش در کلمبیا و بولیوی میشود. در صورتیکه بطور واقعی نجات این کشورها و نجات مردمش، نجات آنها از هر نوع الهیات است. من این را قبول ندارم، فکر میکنم کسانی که اینها را می نویسند پیش از هر چیز تربیت استالینی و توده ایستی شان را دارند بروز می دهند و حتی نه اندیشه شخصی خودشان را. کسیکه می گوید الهیات رهایی بخش حاضر نیست برود در کشوری تحت حاکمیت الهیات رهایی بخش زندگی کند، ترجیح می دهد برود در فرانسه یا انگلستان زندگی کند ولی نسخه می پیچد که مردم بولیوی باید با الهیات رهایی بخش کنار بیایند! بنظر من این کار ریاکارانه و غیرصمیمانه است.

راديو همبستگی: بعضی ها می گویند که اسلام میتواند مدرن شود و خواهان مدرنیزه شدن اسلام هستند. این مساله در بخشی از جنبش چپ نیز انعکاس پیدا کرده و خواهان انجام تلاشی در اینمورد هستند. نظر شما در مورد این حرکت و فعل و انفعالاتی که صورت میگیرد چیست؟

منصور حکمت: کسی که میخواهد اسلام را مدرن کند مثل

آن نابغه کم حافظه ای است که میخواهد در گاراژ خانه اش دستگاهی اختراع کند که مس را طلا کند! آیا خوب کاری است که اسلام مدرن شود؟ اولین سوال این است که حالا چرا باید اسلام مدرن بشود و چه اصراری دارید؟ اگر یکی بگوید برده داری هم میتواند انسانی بشود، من می گویم حالا چه اصراری دارید برده داری را انسانی کنید، مگر مکتب انسانی و مدرن کم آورده اید؟ از کسی که از اسلام مدرن حرف میزند باید پرسید آیا خود آن مسلمان مدرن هستی؟ اگر نه، چرا داری راه باز میکنی برای اینکه هیولاهای اختناق و عقب ماندگی تاریخی باز هم در شکل های جدید به حیات خودشان ادامه بدهند؟ بگیریم اسلام می تواند مدرن هم بشود، چرا دارید کمک می کنید مدرن بشود؟ ول کنید بگذارید همانی که هست در دکانش را ببندد و بگذارد برود. از این گذشته، بنظر من ایشان از "مدرن" تعریف محدودتری دارد که می گوید اسلام مثلا اجازه بدهد زن با دامن زیر زانو بتواند مدرسه برود یا اجازه بدهد که زن قاضی بشود بشرطیکه در هیچ زمانی از کشش های جنسی اش حرف نزند، از نظر این اشخاص اسلام مدرن است. این دیگر قبول نیست.

چیزیکه من مدرن میخوانم - و راستش خود این کلمه هم نسبی است - و جامعه ای که من دوست دارم در آن زندگی کنم و آن مدرنیسمی که من فکر میکنم صلاحیتش را داریم، اسلام در آن جایی ندارد. اسلام باید برچیده شود. همانطور که عده ای به فاشیسم اعتقاد دارند، و همانطور که عده ای هنوز بشدت به مردسالاری اعتقاد دارند، عده ای نیز به اسلام اعتقاد دارند. من جزو آنها نیستم و فکر می کنم اسلام کارنامه اش روشن تر از آن است که کسی بخواهد به نجاتش برخیزد. من کسی که می گوید اسلام می تواند مدرن باشد را مسلمانی می دانم که می خواهد به حیات دینش ادامه دهد و دینش را حفظ کند. وگرنه آدمی که خودش مسلمان نیست اصرارش بر این مقوله را درک نمی کنم، جز اینکه میخواهد متحد تاکتیکی برای انقلاب خودش بترشد.

این مصاحبه در تاریخ ۱۳ ژوئن ۱۹۹۹ از راديو همبستگی در مالمو، سوئد پخش شده است

بر گرفته از سایت منصور حکمت
www.m-hekmat.com

اخباری از اعتراضات کارگران و معلمان

بودند. کارگران با تجمع در مقابل اداره کار طومار اعتراضی را

تحويل مسئولین این اداره دادند و خواستار رسیدگی فوری به مطالباتشان شدند. مقامات این اداره قول دادند که شکایت کارگران را به مراجع بالاتر اطلاع خواهند داد. خاطر نشان کنیم که روز ۲۰ مردادماه دهها تن از کارگران و کارکنان اخراجی پتروشیمی کرمانشاه نیز در اعتراض به اخراج و بیکاری دست

فروش بیستون - بنا به خبری که حزب دریافت کرده است روز ۱۸ مردادماه دهها کارگر فرش بیستون در مقابل اداره کار و امور اجتماعی کرمانشاه اقدام به برپایی یک تجمع اعتراضی کردند. در این اعتراض، ۱۴۵ نفر از کارگران این کارخانه خواهان پرداخت دستمزدهای معوقه و همچنین برخی مطالبات دیگر شدند. کارگران خواستههای خود را در یک طومار اعتراضی نوشته و به امضای همه کارگران رسانده

معلمان حق التدریس در مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند و خواهان رسیدگی به موقعیت شغلی خود شدند. معلمان حق التدریسی خواستار استخدام شدن رسمی از سوی وزارت آموزش و پرورش هستند.

**حزب کمونیست
کارگری ایران**
۲۸ مرداد ۱۳۸۳
۱۸ اوت ۲۰۰۴

**یک دنیای بهتر
برنامه حزب
کمونیست
کارگری را
بخوانید!**

به کارگران گفته شده است که چنانچه این شرط را نپذیرند همگی از کار بیکار خواهند شد. کارگران نسبت به این فشارها معترضند و معتقدند که امضای قرارداد موقت کار سابقه کاری آنها را نادیده می گیرد و باعث پایمال شدن حقوق و مزایای کارگران می شود. کارگران مصمم هستند در مقابل این زورگویی مدیریت دانشگاه و پیمانکاران بایستند. طبق اخبار منتشر شده جو اعتراضی در میان کارگران و خانواده هایشان بالاست.

معلمان - روز ۲۷ مردادماه، برای چندین بار متوالی، جمعی از

به اعتراض زدند. کارگران اخراجی در مقابل استانداری کرمانشاه تجمع کردند و خواهان بازگشت بکار شدند.

دانشگاه علوم پزشکی همدان - ۱۶۰۰ کارگر زن ومرد که در ارتباط با این دانشگاه کار می کنند، در معرض تهدید اخراج و یا امضی قرارداد موقت کار قرار گرفته اند. مدیریت دانشگاه در تبانی با پیمانکاران و بخاطر اینکه نیروی کار ارزانتر تمام شود کارگران را تحت فشار قرار داده است تا سنوات قبلی خود را نادیده گرفته و از خردادماه امسال تا آخر سال ۱۳۸۳ بطور قراردادی کار کنند.